

نویسنده : منیر شفیق «Munir Shafiq» .

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز « 2022-07-08 » .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

چه دنیای وحشاناکی در انتظار بشریت است

What a horrible world a waits humanity



چگونه می توانیم آغاز یک جبهه نظامی توسط ایالات متحده در **اوکراین** علیه روسیه را درک کنیم؟ واقعیت آشکار همانا گشودن یک جبهه نظامی در **اوکراین** در واقع نشان می دهد که این روسیه بود که نیروهای نظامی را بسیج کرد و شروع به جنگ یا شلیک کرد، اما در واقع، ایالات متحده پشت آماده سازی زمینه برای شروع جنگ در **اوکراین** است. این به دلیل پیگیری بی وقفه **نا تو** برای گسترش **نا تو** است، تا جایی که می خواست **اوکراین** را به آن اضافه کند و محاصره و محاصره روسیه را کامل کند تا آن را کاملاً خفه کند یا مجبور به تسلیم و تسلیم کند .

کودتای (2014) که در اوکراین صورت گرفت؛ خواست و هدف ایالات متحده تغییر رژیم در **اوکراین** بود که دوست روسیه بود و رژیم دلخواهی آمریکا که بجای رژیم قبلی به سراقتهار آورده شد؛ آمریکا این رژیم را بگونه خطرناک و همه جا نبه تجهیز و تسلیح کرد و همان طور که این جنگ بعداً نشان داد تغییر رژیم و مسلح ساختن ارتش این کشور مستقیماً تهدیدی برای امنیت ملی روسیه در بالاترین سطح خود میتواند باشد که ایالات متحده ناگزیراً او را اجباراً روسیه را به مداخله و جنگ وادار ساخت و ایالات متحده این امیدواری را داشت که روسیه را از نظر استراتژیک در معرض شکست قرار دهد. و از هر

وسيله که ممکن بود استفاده کرد تا این جنگ را شدت بخشد و تمام راه های حل مسالمت آمیز و آرام این معضله و درگیری را بیست و نگذاشت که روسیه اختلافات خود را با اوکراین در فضای همسایگی حل و فصل کند.

ایالات متحده از تمام راه ها بالای اروپا فشار آورد تا که پای اروپا را در این جنگ بکشاند و آنهم به این منظور که کشورهای اروپایی ارتش اوکراین را با سلاحها و تجهیزات نظامی مجهز سازند و از **زیلینسکی** رییس جمهور اوکراین حمایت همه جا نبه بنما یند.

شمالگرایان ایالات متحده را از آغاز جنگ در اوکراین تا امروز بخوانید یا که اگر خوانده باشید درک کرده خواهید بود که این سیاست ها نشان دهنده یک استراتژی جدید در برخورد با روسیه به حمایت **چین** است .

انگیزه این چرخش در پالیسی آمریکایی ها بویژه در این روزها و ماها ثابت میسازد که پنتاگون دولت پنهان « عمیق » و بعضی از مراکز قدرت در ایالات متحده درصد انطباق و یا تحقق استراتژی جدید هستند ؛ استراتژی که با حل تضاد با روسیه متفاوت است یعنی که **چین** از طریق همچشمی یا رقابت اقتصادی ؛ علمی ؛ سیاسی و مالی در روند یک مسابقه تسلیحاتی مشابه به وضعیت دوران جنگ سرد با شوروی وارد نگاه سوسیالیستی قرار دارد.

بنابراین گروهی از آگاهان و تحلیلگران مجرب در انتظار جنگ سرد مجدد و یا تکراری علیه روسیه و چین قرار داشتند و یا در وضعیت مشابه که قبل از آغاز جنگ در اوکراین انتظار برده میشد. و اما این خود به آن اوضاعی می ماند یا تعلق میگیرد آنچه که ما همین اکنون شاهد آن هستیم؛ یعنی تشدید درگیری نظامی در اوکراین و انگیزه یا تحرک به مرحله محاصره **کالیپولینگراد** که روسیه را به صفحه ای وسعت و گسترش جنگ در اوکراین می کشاند. و این خود بمعنی استراتژی جدید است که جنگ را بدون دست یا فتن به جنگ هسته ای ادامه میدهد حتی اگر به آن در تماس نیز بیا یید- برخورد ایالات متحده غرض رسیدگی به تضاد یا تقابل میان این کشور و متحدان اش از یکسو ؛ چین و روسیه از سوی دیگر به این معنی است که جنگ در اوکراین در صفحه آغازین خود است و جهان خود وارد مرحله درگیری های نظامی جدید جهانی شده است. و به وضعیت بین المللی قبل از جنگ اوکراین باز نخواهد گشت و همچنین به نوع جدیدی از مماشقات و یا دلجویی باز نخواهد گشت.

اگر این نتیجه گیری درست و صحیح باشد این خود به این معنی است که جهان ما وارد صفحه از جنگ های جهانی شده است که این نوع جنگ ها پایین از سطح جنگ هسته ای در بین قدرت های بزرگ و شاید هم پا یا نتر از پوشش کامل جنگ اول و دوم جهانی باشد.

این مسله خود در عین زمان قابل یادداشت است که به تعقیب یا پیگیری پالیسی یا سیاست های اروپایی ها و تدارک برای انعقاد کنفرانس کشورهای گروه هفت در تاریخ « 24 تا 26 » ماه اگست؛ قابل توجه است که این پالیسی ها در تمایل به تشدید تنش وضع نظامی در اوکراین و نظامی کردن دوباره اروپا چرخ میخورد و بجای تلاش که اکثراً در انتظار کاهش تنش و جنگ در اوکراین را داشتند؛ تنش را بیشتر تشدید کردند که تشدید جنگ موجب خسارات وسیع ؛ اضرار اقتصادی و بحران اجتماعی در اروپا گردید- و به همین منوال سوال دیگری در مورد این است؟ که آیا اروپا به نوبه خود وارد یک استراتژی یکپارچه جدیدی شده است یا که به موازات استراتژی ایالات متحده با تقابل و تضاد های خود با **روسیه و چین** مواجه است .

اینجا در واقع به ارتباط جنگ در اوکراین بعضی از نشانه ها توسط آلمان و فرانسه قابل دید است از اینکه آنها متمایل اند که یک راه حل و کاهشی در تشدید تنش نظامی این نزاع و نیز در جستجوی به حل اختلافات بین مقامات اوکراین و **ولادیمیر پوتین** دست یا بند و اما بدبختانه که این خواست و تمایل آنها پهلو به پهلو با حمایت آنها از ارتش اوکراین به پیش میرود - لذا ما خود بر حسب این اصل یا این دویپولوگری آلمان و فرانسه در امر حمایت از اردوی اوکراین میتوانیم گفت که هر دو یعنی آلمان

و فرانسه « و بطور کلی -اروپا» در راه مشابه طی طریق میکنند که ایالات متحده به اقدامات مشا به در عین راه آغاز بکار کرده است. و این خود بدان مفهوم است که تمام محاسبات که بر اساس محاسبه بُردویاخت یا سود و زیان اقتصادی اروپا که در کنفرانس کشورهای گروه هفت صنعتی در تاریخ «22» ماه جون سال «2022» انجام شد مشمول استراتژی جنگی شد که هدف آن شکست **پوتین** است - البته بدون رسیدن به سطح جنگ هسته ای و اما تقریباً در آن سطح یا که آغاز تشدید این جنگ ها قرین و یا تقریباً در لبه پرتگاه .

چه چیزی تا هنوز باقی مانده است از اینکه توضیح را بتواند کامل سازد : پس چرا در استراتژی ایالات متحده به ارتباط جنگ های که در سطح پایین از جنگ های هسته ای اند تغییر و چرخشی بوجود آمد و آنهم بعنوان یک بدیل در ارتباط به استراتژی جنگ سرد یا مشا به به آن که در گذشته ها اتفاق افتاده بود یعنی در هنگامیکه غرب اتحاد جماهیر شوروی و پیمان وارسا را به شکست مواجه ساخت ؟

در پاسخ به ارتباط جنگ سرد دو ویژه گی عمده میتواند مورد نظر باشد **اول** : مسابقه تسلیحاتی **دوم** اقتصادی ؛ علمی ؛ مالی و مسابقه یا همچشمی سیاسی - پس مسابقه و یا ویژه گی دوم حایز اهمیت و تعیین کننده پنداشته میشود البته به از مثنی کردن گزینه جنگ جهانی به ارتباط انکشاف سلاحهای هسته ای در هر دو طرف از قدرت های هسته ای .

اینجا در گزینه یا مسابقه دوم ؛ شگاف به نسبت توجه و مساعدت ایالات متحده و غرب وسیع و گسترده بوده که به شکست اتحاد جماهیر شوروی انجام مید (البته همچنین با موجودیت بعضی از دلایل مربوط بخود اتحاد جماهیر شوروی) .

اما امروز **چین** یکی از رقیب سرسخت و برجسته در عرصه و یا در زمینه دومی است (اقتصادی ؛ انکشافات علمی ؛ و توانایی های مالی) که نسبت به ایالات متحده پیشی گرفته است تا جا یک خود ایالات متحده نیز خود متوجه این پیشی **چین** شده است از اینکه چانس رقابت را ندارد تا بتواند که جنگ سرد را برای مدت (20) یا (30) سال دیگر رهبری کند یا آنرا بجلو راند .

بنا بر این ؛ ایالات متحده درمی یابد یا که می پذیرد که تقابل و مخالفت های موجود کنونی باید در توسل به استراتژی نظامی حل و فصل و یا برچیده شود که به مسابقه تسلیحاتی و رقابت های صلح آمیز محدود نمی شود ؛ نمونه ای از جنگ اوکراین را بخود میگیرد که شاید بعداً در مقیاس بزرگتر تعمیم یابد .

بر این اساس ، بیا بید منتظر دنیایی از جنگ های جهانی بین قدرت های بزرگ باشیم ، حتی بدون رسیدن به سطح هسته ای ، اگر این جهان "خوش شانس" باشد... .. چه دنیای وحشتناکی در انتظار بشریت است .

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

منیر شفیق هماهنگ کننده عمومی کنگره عرب - ناسیونالیست - اسلامی است . آیم های منیر شفیق . ولادیمیر زلنسکی رئیس جمهور اوکراین از مجروحان عیادت کرد .

..... **با تقدیم احترامات «2022-07-14»**